www.sharghdaily.com | aparat:tasvirshargh | Telegram:SharghDaily | youtube:sharghdaily | twitter:sharghdaily | instagram:sharghdaily1
روزنامه شرق

گفت‌وگوی احمد غلامی با محسن هاشمی و فریدون مجلسی درباره «آینده ایران»

چرا مذاکرات همواره شکست خورده؟

آینده ایران موضوعی است که در برنامه «برخورد»، با صاحب‌نظران به بحث و گفت‌وگو درباره آن می‌پردازیم. در این نوبت، محسن هاشمی و فریدون مجلسی ما را همراهی کردند و از شرایط کنونی، امکانات بالقوه و وضعیت اقتصادی ایران و تحریم‌ها گفتند. محسن هاشمی معتقد است کشور به یک استراتژی خیلی جدی نیاز دارد و دولت آقای پزشکیان باید این استراتژی را تدوین کند تا اگر قصد مذاکره داشت، بتواند مذاکره‌ای هوشمندانه انجام دهد. هاشمی از یک راهبرد واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه می‌گوید که مسائل و حقوق اساسی ایران را مدنظر قرار بدهد و مشکلات شدید اقتصادی و معیشتی مردم را کاهش دهد. او باور دارد بدون رفع تحریم‌ها که فقط شامل تحریم هسته‌ای نیست و تحریم‌های چهارگانه را هم در بر می‌گیرد، نمی‌توان کاری از پیش برد. فریدون مجلسی نیز به ضرورت عادی‌سازی اشاره می‌کند و می‌گوید باید سعی کنیم منطقی فکر کنیم. عادی باشیم و مثل کشورهای عادی دیگر در تبعیت از قوانین و قواعد بین‌المللی با دیگران هماهنگ باشیم تا بتوانیم از امکانات بالقوه ژئوپلیتیکی ایران بهره بگیریم.

عکس: سجاد قاآنی، شرق

برخورد: برخورد «تلاش می‌کنیم شرایط کنونی و آینده ایران را تحلیل کنیم. از سیاست داخلی ایران شروع کنیم. آیا دولت آقای پزشکیان که از دل یک بحران بیرون آمده، قادر است بحران‌های بزرگ را حل کند یا نه؟ به نظر شما در این شرایط چه باید کرد؟

محسن هاشمی: همان‌طور که می‌دانید سوابق انتخاباتی در ایران نشان می‌دهد که اصولا مردم وقتی به هر صورت در انتخابات شرکت می‌کنند، حرف خودشان را می‌زنند. اگر نظام انتخابات پرشور یا حتی کم‌شور متوسط مثل انتخابات اخیر برگزار کند، مردم به میدان می‌آیند و نظر واقعی‌شان را برای حل مشکلات از میان شعارهای انتخاباتی که دو طرف یا چند طرف مطرح می‌کنند، انتخاب می‌کنند و رأی می‌دهند. بر اساس سوابق انتخاباتی شاهد بودیم که مخصوصا در انتخابات پرشوری که در گذشته داشتیم، با انتخاباتی که آقای روحانی یا حتی انتخاباتی که آقای پزشکیان در آن پیروز شدند که یک مقدار از استحواب خارج شده بود و تفکرات مختلفی با هم رقابت می‌کردند، شعارها عمدتا به این سمت می‌رفت که ما باید مسائل را با جهان خارج حل کنیم. علی‌الخصوص تحریم‌ها و اگر تحریم‌ها را حل نکنیم نمی‌توانیم مشکلات اقتصادی‌مان را به صورتی حل کنیم که مردم حس کنند به سمت توسعه و حل مسائل رفاهی خودشان پیش می‌روند. مردم می‌آمدند و رأی می‌دادند و عمدتا کسی را انتخاب می‌کردند که چنین برنامه‌ای را مدنظر قرار داده است. هم آقای روحانی این موضوع را مدنظر قرار دادند و هم آقای پزشکیان این موضوع در صحبت‌های تبلیغاتی‌شان خیلی برجسته شده بود و مشخص بود که این عقیده را دارند که باید قطعا تحریم‌ها را حل کنیم تا بتوانیم اقتصاد را پیش ببریم. البته می‌دانید که این تحریم‌ها از ۴۵ سال است شروع شده است. از زمان گروگانگیری و ماجرای سفارت آمریکا اولین تحریم‌ها شروع شد و بعد در دولت‌های مختلف ادامه پیدا کرد. در طرح «داماتا» در دولت اوباما مسئله هسته‌ای خیلی جدی شد و همین‌طور ادامه پیدا کرد. بعد هم تحریم‌های دیگری اضافه شد؛ فقط تحریم هسته‌ای که نیست، ما تحریم حقوق‌بشری داریم که خود آن چیزی نزدیک به ۷۰۰، ۹۰۰ مورد مسائل مختلف را مطرح کرده است. تحریم تروریستی و موشکی داریم و تحریم‌های هسته‌ای هم داریم. در موضوع برجام عمدتا بحث تحریم هسته‌ای مطرح شد. در نتیجه اگر کشور بخواهد مسئله تحریم‌ها را حل کند، باید به تمام تحریم‌ها فکر کند. فقط این نیست که با برجام و مذاکره با ترامپ یا با هرکسی، تحریم‌های هسته‌ای را حل کنیم و تمام مسائل ما حل شود تا خیر جدی بردارید. شروع کار آقای پزشکیان با حضور ترامپ مواجه شد، یعنی با آغاز دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ که اظهارات در کشور خودنقیض شد. اگر عده‌ای به‌صورت جدی مواضع تندی گرفتند، فرض آنان بر این بود که راهی جز مقاومت نیست و باید همین مسیر را ادامه دهیم. از آن طرف، گروهی هم هستند که به‌عنوان ساده‌سازان معروف شدند و سرابی را در مورد مذاکره با ترامپ ایجاد کردند. یعنی به میدان آمدند و تیترهای خیلی جدی زدند و این سراب ایجاد شد که اگر مذاکره با ترامپ انجام شود، امید هایی برمی‌گردد و کشور مسائلش را حل می‌کند. این طور احساس می‌شد که ترامپ دیگر خودش مدیریت نمی‌کند. بلکه ایلان ماسک است که ترامپ را مدیریت می‌کند و به دخالت ایلان ماسک امید بستند. فکر می‌کنند که چون او چهره جدیدی است و تفکرات اقتصادی ویژه‌ای دارد و ایران را به‌عنوان خاورمیانه بفروش. بازار سیاسی‌شان نمی‌آید و ارتباطاتی هم برقرار کرده که مثبت فرض شده، با استفاده از ایلان ماسک بتوانیم حرکتی را انجام داد. در نتیجه این دو تفکر در فضای سیاسی کشور در روزنامه‌ها و سایت‌ها به چالش پیدا کردند. آقای پزشکیان در چهارم پنج ماه اول از عمر دولتش به جلو نیامده بود و موضوع مذاکره را پیش می‌برد، حالا نمی‌دانم برنامه‌ریزی شده انجام شده یا همین‌طور پیش می‌رفت، اما نکته این بود که چه مثبتی برقرار شده بود. اما از آن طرف اقتصاد عمل می‌کرد و با حرف خوب، دلار بالا و پایین می‌رفت و نشان می‌داد که فرصت‌های خوب و کوتاه‌مدتی نیست. تا اینکه این حکم را ترامپ امضا کرد که در فضای مجازی خیلی به متن حکم پرداخته نشده است. در روزنامه‌ها هم متن حکم را نیاوردند و دقیقا به جملاتی که در آن نوشته شده فکر نکردند، یعنی روی آن بحث نکردند و توجه‌شان بیشتر به آن صحبت‌هایی از ترامپ بود که من دلم نمی‌خواست یا از امضای این حکم تنفر داشتم. البته گفته شد که خوب است این حکم امضا شود، یا اینکه واقعا دلم نمی‌خواست آن را امضا کند. بیشتر به آن صحبت‌ها توجه شد تا آن چیزی که در متن آمده بود.

برخورد: می‌توانید به مواردی از این حکم اشاره کنید؟

محسن هاشمی: در این حکم صحبت‌ها تمام آن امتیازاتی را که ایران برای آسان‌تر کردن قدرت و استحکامی برای خودش خلق کند، از بین برند وگرنه مذاکرات به نتیجه نمی‌رسد. من متن حکم را دارم و می‌توانیم بند بند بروم و روی آن صحبت کنیم که چه چیزهایی نیست. اما در کل به آن تحریم‌هایی که گفتم مثل تحریم‌های هسته‌ای، موشکی و حتی سلاح‌های غیرمتعارف و پهپاد پرداخته شده است؛ یعنی خیلی از سلاح‌هایی که الان در دنیا متعارف است، از نظر آنها برای ایران مناسب نیست. وقتی می‌گویند مذاکره، یک زمان است که به شما اجازه می‌دهند غنی‌سازی هسته‌ای ۳.۵ و نیم درصدی داشته باشید، نیروگاه داشته باشید و کارهایتان را انجام دهید. اما یک زمان می‌گویند همه اینها را جمع کنید بگذارید روی کشتی و بفرستید. از این حکم این‌طور برمی‌آید که حداکثر را دیدند؛ یعنی اگر قرار است مذاکره‌ای شود، این نیست که شما بروید آنجا بگویید ۳.۵ و پنج درصد را بیاورید، ۶۰ درصد و ۶۰ درصد را انجام نمی‌دهیم و پروتکل‌های الحاقی را هم اجرا نمی‌کنیم، نه‌فقط به زیان رقیب‌تان یا زیان کشوری که به دلایلی با او مخالفت دارید. اینها وزنه‌هایی است که ما می‌توانیم بر ترک تعامل عمومی روی آن حساب کنیم. به شرط اینکه وضعیت خودمان و مسائلی را که موجب شد چنین مشکلاتی برای ما به وجود بیاید، بپذیریم و مشکلات خودمان را بپذیریم. باید به این فکر کنیم که اصلا چرا برجام امضا شد؟ برای چه آن محدودیت‌ها و سیاست هسته‌ای ایران اعمال شد و ایران متعهد شد که برنامه هم داشته باشد. در موضع تحریم‌ها برداشته شود. که شد و اجرا هم شد و آمدند. مگر توان و زیمنس و شرکت‌های متفاوت نیامدند. مگر هتل‌های ما نیامدند شد. در برجام مهارتی به انجام شد این بود که با دیدِ اغماضی از شش قطعه‌نامه شورای امنیت را که زیربنای آنها تهدید بود، نادیده گرفتند. اما نه اینکه آن تهدید وجود نداشته باشد. ما باید این را بپذیریم. من همیشه معتقدم بودم که توان دفاعی به قدرت اقتصادی متصل است. ببینید شوروی در دو تا شکست نهایی را از آمریکا خورد. در جنگ سرد دو عرصه شکست آنرا برای شوروی وجود داشت؛ یکی جنگ ویتنام بود و دیگری جنگ افغانستان. در تلویزیون‌ها دیدیم که چگونه هلیکوپترها آخرین آمریکایی‌ها و پسکان‌ها را از روی بشت بام سفارت آمریکا در سایگون حمل می‌کردند. پس گوشِ آمریکا را پیوز جنگ ویتنام می‌دانند؟ او انقلابی‌ها در نبرد شکست خورده اما جنگ را برده است. برای اینکه شوروی توان تحمل هزینه‌های جنگ افغانستان و ویتنام را از دست می‌داد، اما اقتصاد و ماشین جنگی آمریکا کار می‌کرد و اتفاقا پررودرتر و قوی‌تر هم می‌شد. صحنه دوم که ماند قطره آخری است که چلان بود که به ایران بریزد می‌کند و می‌ریزد. جنگ افغانستان دو بعد که برعکس ویتنام بود... در آنجا آمریکایی‌ها بودند که شوروی را به جنگ کشاندند. در جنگ نهایی نیز شوروی بود؛ ویتنوک‌ها جنگ می‌کردند. در افغانستان جنگ نیابتی آمریکا بود که مجاهدین مختلف جنگ می‌کردند. آمریکا القاعده را درست کرد. یک عده گفتند دیدید خانم کلینتون گفت ما از القاعده حمایت کردیم. یک عده گفتند دیدید خانم کلینتون گفت بوسنی را شناختی که ما از آسیب خواهد شد. دیگرانی تا تعصیش داشتند حمایت کردند و گروه‌ها را درآوردند. القاعده در مقابل حمله کونوی مسابقه می‌داد، شهر تهران به شورش کشیده شد.

محسن هاشمی: در آن بازی ایران از اسرائیل برد. یادم است هشت سالم بود. در خیابان با حاج‌آقا می‌رفتیم. مردم می‌پریدند روی ماشین ابوی و می‌گفتند آشیخ بوق بزن.

فریدون مجلسی: بله. این احساسی بود که مانع از این می‌شد که اسرائیل را به رسمیت بشناسند. حتی در دوران شاه بارها انتقادهایی به زیاده‌روی‌های مراکز قدرت‌مند و تأثیرگذاری یهودی داشتند. می‌خواهم بگویم که کار یک‌طرفه نیست بلکه دوطرفه است؛ یعنی این عادی‌سازی طبیعتا باید در مقابل یک عادی‌سازی دیگری باشد و اسرائیلی‌ها هم باید عادی‌سازی کنند. مثلا تجاوزات‌شان در شهرهای اشغال‌شده در کرانه غربی دیگر قابل تحمل نیست. اتفاقا چند روز پیش عربستان هم بار دیگر بر این تأکید کرد. آقای ترکی بن عبدالعزیز خیلی صریح اعلام کرد. او که آدم بسیار معقول، باسواد و آگاهی در عرصه سیاست بین‌المللی و سیاست عربستان است، اعلام کرد این چیزها برای عربستان قابل تحمل نیست و به دولت آمریکا هشدار داد. ضمن اینکه آن بحث آقای ترامپ هم حکم نیست، فرمان ریاست‌جمهوری نیست، به‌صورت یک اعلامیه است. اعلامیه خیلی فرق می‌کند. در آن تهدید نهفته است که خودتان را برای چه چیزهایی آماده کنید. به مرگ فرض برای این است که تب را جا بیندازد.

محسن هاشمی: می‌گویند یادداشت است. شبیه مقاله‌ای در روزنامه نیویورک‌تایمز است. البته کمی جدی‌تر.

فریدون مجلسی: وقتی آقای ترامپ می‌گوید در همان حدود می‌شود، برای اینکه او از این حرف‌ها زیاد می‌زند و دو روز بعد هم فرو می‌کشد. آمریکا سرزمینی متشکل از ۵۰ ایالت است که در بسیاری از مسائل با هم تفاوت‌هایی دارند. به استقلال‌های داخلی خودشان احترام می‌گذارند و منابع قدرتی مختلفی نهفته است که رئیس‌جمهور را مهار می‌کند. این‌طور نیست که رئیس‌جمهوری بکیاره این و آن را بکوبد و همه اینها در مقابلش تسلیم باشند. بلافاصله قاضی یک دادگاه ایالتی در حول‌وحوش واشنگتن رای می‌دهد و نظر ایشان را باطل می‌کند. برای نمونه در مورد اینکه گفته هرکسی در آمریکا به دنیا بیاید از این به بعد آمریکایی نیست. قانون آمریکا این بود که هرکسی در آمریکا به دنیا بیاید، آمریکایی محسوب می‌شود. این در قانون اساسی آمریکا نوشته شده و ترامپ نمی‌تواند آن را تغییر دهد، بنابراین لغو شد. به همین سادگی که آنها چنین فرامینی را لغو می‌کنند. در ایران هم منافع ملی و حیات و زندگی ملت ایران باید در رأس همه تصمیمات مملکت باشد. همه‌چیز باید در خدمت مردم باشد.

آقای هاشمی به بحث سیاست داخلی برگردیم. به نظر شما راهکارها و استراتژی‌هایی که دولت آقای پزشکیان باید دنبال کند. چه راهکارهایی است؟

ابتدا بگویم که بالای متن ترامپ نوشته یادداشت. این یادداشت خطاب به حدود ۲۵ مرکز در دولت آمریکاست که از وزارت خارجه شروع می‌شود و در آخر به رئیس ستاد مشترک ارتش ختم می‌شود. در این میان بی‌نامیده دائم آمریکا در سازمان ملل یا آژانس مرکز اطلاعات آمریکا و سی‌آی‌ای این یادداشت ابلاغ شده و موضوع اصلی‌اش این است: اعمال فشار حداکثری بر دولت جمهوری اسلامی، محروم‌کردن ایران از تمام مسیرهای دسترسی به سلاح‌های هسته‌ای و مقابله با نفوذ شوروانه ایران. در اصل تیتر این است. بخش یک آن سیاست است، بخش دوم اعمال فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی است و در این اصل هم آن است که اتفاق آقای ترامپ هم آدم نامتعارفی است. این آدم نامتعارف از لحاظ سیاسی یک‌مرتبه رد چند جهته شکست خورده است. از یک طرف می‌گوید کوبیدند را می‌خواهم. دانمارک می‌گوید به جهانیست از این طرف دنیا آمدید این از سرزمین پژوده‌ای را می‌خواهید فروشند. گفته که در آن نمی‌رفت و از هزاره ۲۰۰۰ سال پیش در اختیار اسکاندیناوی‌ها بوده و شهر هزاره‌اسام دارند. یعنی ۵۰۰ سال قبل از اینکه آمریکا کشف شود گرینلند شهر نروژی شده و در آنجا زندگی می‌کردند و بعد هم دست دانمارکی‌ها افتاده و بالاخره تابع دانمارک است. برایش نه‌تنها اسکاندیناوی، بلکه کل اروپا جمعه می‌گیرد و می‌گوید ما یک بار این دست‌اندازی‌ها را در اروپا دیدیم که آلمان آمده گفته اینجا مال من است و فضای حیاتی می‌خواهم. حالا آمریکا آمده این تعبیر «فضای حیاتی» را که هیتلر برای گرفتن چکسلواکی و لهستان به کار می‌برد، دوباره زنده می‌کند. وقتی یک خودکار روی میز می‌گذارد و می‌گوید اسرائیل در این خودکار است و احتیاج به سرزمین بیشتری برای زندگی‌اش دارد. فضای حیاتی کار آنرا مگر می‌کند. قیچی‌ها کالان دهم باباما را کندند و بعدش به دولت دوسویه فرادوزند. ترامپ کف آن را شورای امنیت جمع چینی‌ها باباما که با یک کلاژ چینی تبدیل شد. البته دقیقا نمی‌دانم چینی‌ها چه امتیازاتی در آنجا دارند، اما ترامپ گفته آنجا را جزایر کشاند داده. کشاند دادند. اما توافقی شد. مثلا اینکه امروز انگلیس بیاید زیر ملی‌شدن نیت‌شان برند بدو و بعد از مدت‌ها بگوید ما یک زمانی آنجا بودیم و همه‌اش را بدهید.

محسن هاشمی: چنین‌ها قرارداد بهره‌برداری و نگهداری دارند.

فریدون مجلسی: خیلی خب. چنین‌ها ساختند و بلاخره دوراه‌های دارد که طی می‌شود. تازه در قلب خلق قوانین بین‌المللی این را هم دلبی کنند. منتها غرامتش را بپردازند. هر ملی‌گرایی تحریم‌ها به پرداخت غرامت اند. این کارها با آمریکایی‌ها تصیف شده است. بنابراین آمریکای لاتین تکران می‌شود، نمی‌تواند آنها را بپذیرد. تغییر نام خلیج مکزیک به خلیج آمریکا را ایرانی‌ها خود درک می‌کنیم که چه اندازه مسخره. دردناک و هشداردهنده است که اینها نسبت به آمریکای لاتین چه خیالی دارند. آن بالا نشسته و چه خیال می‌کنند! یا اینکه وقتی می‌خواهد در دوباره اعتمادکند و پای صندوق بیاید. ما بعد دوباره شاهد انتخابات بالای ۸۰، ۸۰ درصد باشیم! انتخاباتی که در کدشته

در دوخ درداد برگزار شد و در انتخابات همین دوره اخیر که آقای روحانی رئیس‌جمهور شد، انتخاباتی که بعد از رصدلاحیت آیت‌الله هاشمی‌فسنجانی برگزار شد. در آن موقعیت بادان بیاید که ایشان را رد صلاحیت کردند، اما ایشان قهر کرد و به میدان آمد و حماسه سیاسی ایجاد کرد و نتیجه‌اش مثبت بود و اقبالی روحانی رئیس‌جمهور شد. بنابراین از اولویت‌های دولت آقای پزشکیان باید این باشد که امکان اجرای انتخابات سطح بالا را در کشور فراهم کند و این به دولت و نظام قدرت می‌دهد، یعنی اینکه مردم پشت نظام قرار گرفتند. درست است تظاهرات ۲۲ بهمن اتحادی را نشان می‌دهد، ولی این نشان‌دهنده قدرت واقعی مردم نخواهد بود که در آن یک انتخابات شکست می‌کنند. متاسفانه ما شاهدیم که مجلس رای آن در دید هم به قضیه نگاه می‌کنند. ولی من فکر نمی‌کنم که آنها به‌خاطر این موضوع بدون گرفتن امتیازی بخواهند سازداری کنند. یعنی امتیاز امنیتی برایشان از همه‌چیز مهم‌تر است. برای ایران هم امتیاز امنیتی مهم‌تر است. نیازی نیست این اسرائیل را به رسمیت بشناسد. شاه با همه آنها قراردادهای عملیاتی و مهندسی معکوس در داشتند. هیچ‌وقت حاضر نشد اسرائیل را به رسمیت بشناسد. مدیرعامل یک شرکت اکتشافی در اینجا مدیر اسرائیلی بود و یک نمایندگی ایران در سوئیس که اسمش برج ۲ بود که در تل‌آوِیو بود. بنابراین ابتدا داشتند. اما ایران باید بتواند بسته را رسمیت بشناسد. اینکه برای اینکه می‌دانست این را به رسمیت شناختن یا احساسات مردم ایران درنمی‌آید. به خاطر دارم که در سال ۴۸، وقتی تیم فوتبال ایران با تیم فوتبال اسرائیل در امجدیه با شیرودی فقط آمریکا به‌تنهایی نیست. علی‌رغم اینکه ما از شورای امنیت بیرون آمدیم و الان تحریم‌های شورای امنیت را نداریم، با تحریم‌های یک‌طرفه آمریکا کشور دچار بحران است، چراکه اروپایی‌ها از این تحریم‌ها به‌صورتی غیرمحسوس و غیرقانونی تبعیت می‌کنند. خیلی از کشورها هم برای اینکه با آمریکا معاملات دارند و بالاخره شرکت‌هایشان تابعیتی نسبت به شرکت‌های آمریکایی یا شرکت‌های غربی دارند، با ایران همکاری نمی‌کنند و مثلا در خلیج از بنادر کشتی‌های ما را نمی‌پذیرند. در نتیجه ما باید یک حرکتی را آغاز کنیم. ابتدا تکلیف خودمان را با مردم روشن کنیم و مردم واقعا بشت فعالیت‌های دولت بیاوریم و این‌طور نباشد که مردم ناامیدانه به فعالیت‌های دولت نگاه کنند. اگر می‌شد ما در همین بهار سال آینده انتخابات خیلی خوبی برگزار می‌کردیم، بشتوانه‌ای خیلی جدی ایجاد کرده و مذاکرات را قوی می‌کردیم. اگر الان این‌طور ما را برخورد می‌کنند، به‌خاطر این است که مشارکت انتخابات‌ها ما زیر ۵۰ درصد آمده. در تهران حتی به زیر ۲۵ تا ۲۰ درصد رسیده است. در نتیجه لازم است یک حرکت جدی و هوشمندانه در این امر انجام شود. تحریم دیگر ما به تعبیر آنها تحریم‌های تروریستی است. فعالیت‌های برون‌مرزی ایران مثل فعالیت‌هایی که در لبنان و سوریه داشتیم یا ارتباطاتی که بین ما و یمن فرض می‌شود؛ اینها مسائلی است که در جهان به‌عنوان فعالیت‌های تروریستی بحث شده است. اما به نظر می‌آید که ما در مورد این فعالیت‌ها می‌توانیم در مسیر همان تفکر اولیه‌ای حرکت کنیم که در انقلاب وجود داشت؛ اینکه ما در بعضی از زمینه‌ها فقط دخالت مستشاری داشتیم و در زمینه بردن پول و سلاح و اینها کاری انجام نمی‌دادیم. حرکت در این مسیر می‌تواند وفاقی در داخل کشور ایجاد کند و نظر مردم ایران را نسبت به حمایت از مقاومت در خارج از کشور مثبت کند. یعنی آن تفکر وقفه انقلاب اسلامی که در ابتدا بود. اگر یادتان باشد اما چندین مرحله جلوی فعالیت‌های برون‌مرزی به‌صورت سخت‌افزاری را گرفتند؛ کاری که ملا شهید محمد منتظری شروع کرد با کاری که ایران در زمان جنگ در لبنان شروع کرد و نیرو فرستاد و امام همان موقع فوری نیروها را برگرداندند. در نتیجه در این زمینه‌ها هم می‌توانیم به سمت عادی‌سازی برویم. پس استراتژی ما فقط نباید از هسته‌ای شروع شود. برای اینکه بتوانیم کشور و حمایت‌های مردمی را حفظ کنیم، می‌توانیم در این موارد فعالیت‌هایی را آغاز کنیم تا از یک مذاکره هوشمندانه و عاقلانه با دنیا حمایت شود. در بُعد سوم، بحث موشکی است. می‌دانید که ما در بحث ساخت موشک پیشرفت‌های شایانی داشتیم و شروع فعالیت‌های ساخت موشک به دوران جنگ مربوط می‌شود که با سوخت جامد و سوخت مایع بود که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی خیلی هم جدی این موضوع را دنبال می‌کردند. در نتیجه ما در بُعد موشکی هم به‌راحتی می‌توانیم توقعات را در حد دفاع ببریم؛ چون اصلا ما موشک را برای دفاع ساخته بودیم. نمی‌خواستیم از موشک علیه دیگران استفاده کنیم. قرار است از موشک استفاده کنیم که کسی به ما حمله نکند. در نتیجه بعد موشکی حتی تا اسرائیل اشکالی ندارد؛ چون بالاخره اسرائیل نیروبی است که امکان دارد ما به حمله کند. فکر نمی‌کنم آنها در این مورد نگرانی داشته باشند. موضوع این است که ما در موشکی هم می‌توانیم محدودیت‌هایی برای خودمان قائل شویم. هرچند در تحقیقات می‌توانیم پیشرفت کنیم و تست‌هایی انجام دهیم.

در نهایت به بحث هسته‌ای می‌رسیم. می‌دانید که ما از کشورهایی هستیم که در اعمال فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی است و در مورد مسئله FATF هم در آن حسنه که گفتند آقای ایران احتمالا FATF را بپذیرد، آمریکا قول نمی‌کند آنها را از لیست سیاه دربیاورد. حتی این هم در آن دیده شده است. بعد وزارت خارجه است که چه کارهایی باید انجام دهد. در مورد نماینده دائم ایالات متحده در سازمان ملل است که در شورای امنیت باید یک جبهه‌ایی از پیکریی کشف. نوشته مرتبا شورای امنیت سازمان ملل تکنیم برای برجسته‌کردن مجموعه تهدیدهای مختلفی که در آنجا وجود دارد. می‌خواستم بگویم اروپایی‌ها هم نسبت به اسرائیل به‌طور کشتارهای تاریخی اخیر قصور می‌کنند و هم متعهد هستند و اینها را ادامه‌دهنده‌ی فرهگ اروپایی می‌دانند. چون اسرائیل یک‌عده بودیمی نیستند که در یک جا جمع شده باشند. این‌طور نیست که تراضع صبح رنس‌جمهور شده باشد و فردا آن را نوشته باشند. از این موضوع بگذریم و به بحث دوباره زنده می‌کند. وقتی یک خودکار روی میز می‌گذارد و می‌گوید اسرائیل در این خودکار است و احتیاج به سرزمین بیشتری برای زندگی‌اش دارد. فضای حیاتی کار آنرا مگر می‌کند. قیچی‌ها کالان دهم باباما را کندند و بعدش به دولت دوسویه فرادوزند. ترامپ کف آن را شورای امنیت جمع چینی‌ها باباما که با یک کلاژ چینی تبدیل شد. البته دقیقا نمی‌دانم چینی‌ها چه امتیازاتی در آنجا دارند، اما ترامپ گفته آنجا را جزایر کشاند داده. کشاند دادند. اما توافقی شد. مثلا اینکه امروز انگلیس بیاید زیر ملی‌شدن نیت‌شان برند بدو و بعد از مدت‌ها بگوید ما یک زمانی آنجا بودیم و همه‌اش را بدهید.

محسن هاشمی: چنین قراردادی بهره‌برداری و نگهداری دارند.

فریدون مجلسی: خیلی خب. چنین‌ها ساختند و بلاخره دوراه‌های دارد که طی می‌شود. تازه در قلب خلق قوانین بین‌المللی این را هم دلبی کنند. منتها غرامتش را بپردازند. هر ملی‌گرایی تحریم‌ها به پرداخت غرامت اند. این کارها با آمریکایی‌ها تصیف شده است. بنابراین آمریکای لاتین تکران می‌شود، نمی‌تواند آنها را بپذیرد. تغییر نام خلیج مکزیک به خلیج آمریکا را ایرانی‌ها خود درک می‌کنیم که چه اندازه مسخره. دردناک و هشداردهنده است که اینها نسبت به آمریکای لاتین چه خیالی دارند. آن بالا نشسته و چه خیال می‌کنند! یا اینکه وقتی می‌خواهد در دوباره اعتمادکند و پای صندوق بیاید. ما بعد دوباره شاهد انتخابات بالای ۸۰، ۸۰ درصد باشیم! انتخاباتی که در کدشته

در دوخ درداد برگزار شد و در انتخابات همین دوره اخیر که آقای روحانی رئیس‌جمهور شد، انتخاباتی که بعد از رصدلاحیت آیت‌الله هاشمی‌فسنجانی برگزار شد. در آن موقعیت بادان بیاید که ایشان را رد صلاحیت کردند، اما ایشان قهر کرد و به میدان آمد و حماسه سیاسی ایجاد کرد و نتیجه‌اش مثبت بود و اقبالی روحانی رئیس‌جمهور شد. بنابراین از اولویت‌های دولت آقای پزشکیان باید این باشد که امکان اجرای انتخابات سطح بالا را در کشور فراهم کند و این به دولت و نظام قدرت می‌دهد، یعنی اینکه مردم پشت نظام قرار گرفتند. درست است تظاهرات ۲۲ بهمن اتحادی را نشان می‌دهد، ولی این نشان‌دهنده قدرت واقعی مردم نخواهد بود که در یک انتخابات شکست می‌کنند. متاسفانه ما شاهدیم که مجلس رای آن در دید هم به قضیه نگاه می‌کنند. ولی من فکر نمی‌کنم که آنها به‌خاطر این موضوع بدون گرفتن امتیازی بخواهند سازداری کنند. یعنی امتیاز امنیتی برایشان از همه‌چیز مهم‌تر است. برای ایران هم امتیاز امنیتی مهم‌تر است. نیازی نیست این اسرائیل را به رسمیت بشناسد. شاه با همه آنها قراردادهای عملیاتی و مهندسی معکوس در داشتند. هیچ‌وقت حاضر نشد اسرائیل را به رسمیت بشناسد. مدیرعامل یک شرکت اکتشافی در اینجا مدیر اسرائیلی بود و یک نمایندگی ایران در سوئیس که اسمش برج ۲ بود که در تل‌آوِیو بود. بنابراین ابتدا داشتند. اما ایران باید بتواند بسته را رسمیت بشناسد. اینکه برای اینکه می‌دانست این را به رسمیت شناختن یا احساسات مردم ایران درنمی‌آید. به خاطر دارم که در سال ۴۸، وقتی تیم فوتبال ایران با تیم فوتبال اسرائیل در امجدیه با شیرودی

فریدون مجلسی: مسئله این است که باید عادی بود. ما باید باشیم و عادی‌بودن یعنی تبعیت از قوانین و قواعد بین‌المللی. اصول قوانین و قواعد بین‌المللی را مسئله نمی‌کنند. گذشته و به تاریخ ارجاع داده‌اند تعیین کنیم منطقی فکر کنیم. عادی باشیم و مثل کشورهای عادی دیگر در تبعیت از قوانین و قواعد بین‌المللی با دیگران هماهنگ باشیم

آقای هاشمی شما درباره مجموعه تحریم‌ها صحبت کردید. دولت درباره این تحریم‌های چهارگانه که کار می‌تواند انجام دهد؟

آجراه دهید من با همین صحبت خیلی مجلسی که ایران احتیاج دارد هم در داخل کشور و هم در رابطه با جهان عادی‌سازی کند. حرف را ادامه دهید و به نظرم این عادی‌سازی شرایط ایران در جهان کاری خوشمندانه است. البته رفع بعضی از تحریم‌ها مثل تحریم‌های حقوق‌بشری به عادی‌سازی در بین مردم ایران ندارد. البته دو عضری است که می‌شود روی آن بحث کند. به چارچوب بحث شما برگردیم. می‌دانید که آقای پزشکیان با شعار رفع تبعیض‌ها را برگرفت و ورود پیدا کرد. نباید ساده‌انگارانه به این موضوع نگاه کرد. هرچند ما نیروهای بسیار خوبی هم در شورای امنیت و هم در اطراف آقای پزشکیان دارند. نیروهایی مثل قالیف و آقای عراقچی هستند. نیروهای امنیتی و کارشناسان خوبی داریم که مسائل را درک می‌کنند. اما برای اینکه به عادی‌سازی وضع ایران برسیم به یک راهبرد بسیار جدی احتیاج داریم. این عادی‌سازی یا چه روشی می‌تواند انجام شود؟ دولت باید این روش را دنبال کند. اگر به تجربی که تا به حال در مجلس و مجموعه آمریکا انتخاب شده که چلان بود بر از آب را بریز می‌کند و می‌ریزد. جنگ افغانستان دو بعد که برعکس ویتنام بود... در آنجا آمریکایی‌ها بودند که شوروی را به جنگ کشاندند. در جنگ نهایی نیز شوروی بود؛ ویتنوک‌ها جنگ می‌کردند. در افغانستان جنگ نیابتی آمریکا بود که مجاهدین مختلف جنگ می‌کردند. آمریکا القاعده را درست کرد. یک عده گفتند دیدید خانم کلینتون گفت ما از القاعده حمایت کردیم. یک عده گفتند دیدید خانم کلینتون گفت بوسنی را شناختی که ما از آسیب خواهد شد. دیگرانی تا تعصیش داشتند حمایت کردند و گروه‌ها را درآوردند. القاعده در مقابل حمله خاورمیانه بفروش. بازار سیاسی‌شان نمی‌آید و ارتباطاتی هم برقرار کرده که مثبت فرض شده، با استفاده از ایلان ماسک بتوانیم حرکتی را انجام داد. در نتیجه این دو تفکر در فضای سیاسی کشور در روزنامه‌ها و سایت‌ها به چالش پیدا کردند. آقای پزشکیان در چهارم پنج ماه اول از عمر دولتش به جلو نیامده بود و موضوع مذاکره را پیش می‌برد، حالا نمی‌دانم برنامه‌ریزی شده انجام شده یا همین‌طور پیش می‌رفت، اما نکته این بود که چه مثبتی برقرار شده بود. اما از آن طرف اقتصاد عمل می‌کرد و با حرف خوب، دلار بالا و پایین می‌رفت و نشان می‌داد که فرصت‌های خوب و کوتاه‌مدتی نیست. اینکه این حکم را ترامپ امضا کرد که در فضای مجازی خیلی به متن حکم پرداخته نشده است. در روزنامه‌ها هم متن حکم را نیاوردند و دقیقا به جملاتی که در آن نوشته شده فکر نکردند، یعنی روی آن بحث نکردند و توجه‌شان بیشتر به آن صحبت‌هایی از ترامپ بود که من دلم نمی‌خواست یا از امضای این حکم تنفر داشتم. البته گفته شد که خوب است این حکم امضا شود، یا اینکه واقعا دلم نمی‌خواست آن را امضا کند. بیشتر به آن صحبت‌ها توجه شد تا آن چیزی که در متن آمده بود.

می‌توانید به مواردی از این حکم اشاره کنید؟

محسن هاشمی: در این حکم همه‌چیز تمام آن امتیازاتی را که ایران برای آسان‌تر کردن قدرت و استحکامی برای خودش خلق کند، از بین برند وگرنه مذاکرات به نتیجه نمی‌رسد. من متن حکم را دارم و می‌توانیم بند بند بروم و روی آن صحبت کنیم که چه چیزهایی نیست. اما در کل به آن تحریم‌هایی که گفتم مثل تحریم‌های هسته‌ای، موشکی و حتی سلاح‌های غیرمتعارف و پهپاد پرداخته شده است؛ یعنی خیلی از سلاح‌هایی که الان در دنیا متعارف است، از نظر آنها برای ایران مناسب نیست. یعنی وقتی می‌گویند مذاکره، یک زمان است که به شما اجازه می‌دهند غنی‌سازی هسته‌ای ۳.۵ و پنج درصدی داشته باشید، نیروگاه داشته باشید و کارهایتان را انجام دهید. اما یک زمان می‌گویند همه اینها را جمع کنید بگذارید روی کشتی و بفرستید. از این حکم این‌طور برمی‌آید که حداکثر را دیدند؛ یعنی اگر قرار است مذاکره‌ای شود، این نیست که شما بروید آنجا بگویید ۳.۵ و پنج درصد را بیاورید، ۶۰ درصد و ۶۰ درصد را انجام نمی‌دهیم و پروتکل‌های الحاقی را هم اجرا نمی‌کنیم، نه‌فقط به زیان رقیب‌تان یا زیان کشوری که به دلایلی با او مخالفت دارید. اینها وزنه‌هایی است که ما می‌توانیم بر یک تعامل عمومی روی آن حساب کنیم. به شرط اینکه وضعیت خودمان و مسائلی را که موجب شد چنین مشکلاتی برای ما به وجود بیاید، بپذیریم و مشکلات خودمان را بپ